

مقاله پژوهشی:

راهبرد اقتصاد مقاومتی در بستر مدیریت راهبردی اسلامی؛ رهیافتی از داستان

یوسف نبی (ع)

عباس شفیعی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

چکیده

اقتصاد مقاومتی می‌تواند راهبردی مهم در بستر مدیریت راهبردی اسلامی تلقی شود؛ پیامبران الهی در طول دوران رسالت و حکومت خویش، با انواع تهدیدها، تحریم‌ها و بحران‌ها مواجه بوده‌اند که با استعانت از منبع وحی و با تدابیر مناسب توانسته‌اند تصمیماتی را اتخاذ کنند که هم در عصر خودشان ثمربخش بوده و هم برای سایر زمان‌ها و همه جوامع درس‌آموز و مایه عبرت است. در این مقاله برای دستیابی به الگوی تحقق اقتصاد مقاومتی با رهیافتی قرآنی در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش با بهره‌گیری از روش تدبر داستان‌محور در قرآن کریم، به الگوی مدیریت راهبردی حضرت یوسف (ع) در بحران اقتصادی خشک‌سالی برای مقاوم‌سازی کشور مصر پرداخته می‌شود. رهیافت‌ها و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که این الگو مشتمل بر عناصر دروندادی همچون «چشم‌انداز توحیدی» و عناصر فرایندی همچون «راهبردها و اصول راهبردی» و عناصر بروندادی همچون «اقدامات راهبردی» بوده و سرانجام دربرگیرنده تدوین راهبرد، اجرا و ارزیابی راهبردی است؛ با این تصویر راهبرد اقتصاد مقاومتی می‌تواند در بستر مدیریت راهبردی اسلامی معنادار باشد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، مدیریت راهبردی، یوسف نبی (ع)، قصص قرآنی.

مقدمه

لفظ اقتصاد مقاومتی را مقام معظم رهبری اولین بار در سال ۱۳۸۹ در سخنرانی در جمع کارآفرینان به کار بردند. تأکیدات ایشان بر مقاوم‌سازی اقتصاد و توانمندسازی درونی اقتصاد را می‌توان از اواسط دهه ۸۰ رصد کرد. حضرت ایشان ادبیات اقتصاد مقاومتی را در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ مطرح کردند و جوانب این نظریه را در سخنرانی‌های متعددی تبیین کردند بعد از آن بود که یک نظریه به شکل منسجم در حوزه اقتصاد مطرح شد که به اقتصاد مقاومتی موسوم گردید. اولین اتفاق مهم در این حوزه ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۲ بود. سپس حضرت ایشان در دیدارهای جداگانه‌ای که با سران قوا و مسئولین نظام داشتند دستورات و توجیهات اختصاصی در این خصوص را مطرح کردند. در ابتدای سال ۱۳۹۳ اقتصاد ایران با نظریه اقتصاد مقاومتی مواجه شد. در سال‌های اخیر رهبر معظم انقلاب در طی سخنرانی‌های متعددی مبنای اقتصادی انقلاب اسلامی را در سه مفهوم اقتصاد مقاومتی، جهاد اقتصادی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت خلاصه و معرفی کرده‌اند. این سه مفهوم، یک مجموعه فکری منسجم را در حوزه اقتصاد معرفی می‌کند که به‌عنوان یک نظریه سازگار در دانش اقتصاد می‌تواند مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد. طبق بیانات حضرت ایشان اقتصاد مقاومتی نسخه معاصر از نظام اقتصادی اسلام است که برای تحقق آن سیاست‌های ۲۴ گانه‌ای (۱- کارآفرینی و مشارکت عمومی، ۲- اقتصاد دانش بنیان، ۳- فعال سازی مزیت‌های اقتصادی استان‌ها، ۴- نظام یارانه‌ها، ۵- سهم بری عادلانه عوامل تولید، ۶- اولویت تولید و تأمین کالاهای اساسی، ۷- امنیت غذایی، ۸- اصلاح الگوی مصرف، ۹- اصلاح نظام مالی، ۱۰- توسعه صادرات غیر نفتی، ۱۱- استفاده از ظرفیت مناطق آزاد ویژه، ۱۲- دیپلماسی اقتصادی، ۱۳- نفت و گاز به‌عنوان محور توسعه صنعتی کشور، ۱۴- میادین مشترک و الگوی بهره‌برداری از آنها، ۱۵- تأمین زنجیره ارزش در داخل، ۱۶- کاهش هزینه‌های عمومی، ۱۷- اصلاح نظام مالیاتی، ۱۸- قطع وابستگی به نفت، ۱۹- مبارزه با مفاسد اقتصادی، ۲۰- فرهنگ جهادی و ترویج آن، ۲۱- گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی، ۲۲- بسیج همه امکانات دولت در این راستا، ۲۳- نظارت بر عملکرد بازار، ۲۴- استاندار) را ابلاغ فرمودند (عبدالملکی، ۱۳۹۵: ۳۰). ابلاغ این سیاست‌ها خط‌مشی همه قوای سه‌گانه نظام را مشخص می‌کند. همانطور که از چندین فراز از این سیاست‌ها برداشت می‌شود، مدیریت راهبردی اسلامی یکی از شاه‌کلیدهای اصلی و اساسی در میان این سیاست‌های ابلاغی است. چنانچه در ادامه تحقیق نیز بررسی خواهد شد بسیاری از این سیاست‌ها را حضرت یوسف (ع) جهت مدیریت هرچه بهتر بحران اتخاذ

کردند که غالباً بازگشت این سیاست‌های اتخاذی به بحث مدیریت راهبردی مربوط است. به‌عنوان نمونه می‌توان به سیاست‌های ۶-۷-۹-۱۵-۲۰-۲۱-۲۲ اشاره کرد. حضرت یوسف (ع) طبق مستندات قرآنی، توانست با اتخاذ این سیاست‌ها اقتصاد مصر را از ورطه نابودی و هلاکت رهایی بخشد. این تحقیق جهت گسترش فرهنگ قرآنی اقتصاد مقاومتی درصدد استخراج آموزه‌های داستان حضرت یوسف (ع) در حوزه مدیریت راهبردی جهت مقاوم‌سازی اقتصاد با بهره‌گیری از روش تدبر داستان‌محور به کشف واصطیاد آموزه‌های اسلامی می‌پردازد. در این پژوهش پس از تبیین مسأله، چارچوب نظری موضوع اشاره شده سپس مبحث مدیریت راهبردی اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته و بعد از آن به مدیریت راهبردی یوسف نبی (ع) جهت مقاوم‌سازی اقتصاد پرداخته شده است.

بیان مسأله

ویژگی الگویی و سرمشق بودن انبیاء الهی در قرآن به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم تأیید شده است (ممتحنه ۴ و عواجزاب ۲۱) و مدیریت و حکومت انبیای الهی جزء عناصر ذاتی رسالت آنان بوده و از مشیت‌های تشریحی خداوند است؛ بنابراین، پیامبر اسلام دستور دارد که به روش آنان اقتداء کند (انعام ۸۲-۹۰). آنچه از قرآن کریم در باره عناصر الگوی راهبردی انبیاء و نیز وظیفه ما در قبال آنها استنباط می‌شود، نقش الگویی آنان را تأیید می‌کند (بقره ۱۳۵ و آل عمران ۸۴). بنابراین همه انبیاء الهی و تمامی دستورات و عناصر الگوی راهبردی آنان (اعم از چشم‌انداز، راهبردها، اصول و اقدام راهبردی آنها) که از زبان پیامبران الهی در سه نوع کلی اعتقادی، اخلاقی و عبادی در قرآن کریم وجود دارد، لازم‌الاتباعند. الگوی مدیریت راهبردی انبیاء الهی می‌تواند مشتمل بر چارچوبی کلی از چشم‌انداز، راهبردها، اصول و اقدامات راهبردی باشد که از بررسی ادوار مختلف زندگی اجتماعی و مدیریتی رهبران توحیدی و با توجه به گزاره‌های دینی و گزاره‌پردازی برای دستیابی به الگوهای انتزاعی حاصل می‌شود؛ این الگو گاهی در تدوین راهبرد، زمانی در اجرای راهبرد و سرانجام در ارزیابی راهبرد خود را نشان می‌دهد. بنابراین، مدیریت راهبردی انبیاء را می‌توان به‌عنوان سیستمی در نظر گرفت که دارای درونداد، فرایند و برون‌داد است؛ درونداد این سیستم دربرگیرنده عنصر چشم‌انداز توحیدی و عناصر فرایندی آن راهبردها و اصول راهبردی توحیدی و عنصر برون‌دادی آن اقدامات راهبردی توحیدی است؛ بر اساس این الگوی نظام‌مند، انبیاء الهی ابتدا چشم‌انداز توحیدی را ترسیم کرده و به پیروان خود مقصد نهایی و مسیر حرکت را در دالان راهبردی نشان می‌دهند.

این تحقیق در صدد یافتن پاسخی مناسب برای این سوال است که با توجه به وضعیت کنونی کشور و الزام کشور برای تحقق اقتصاد مقاومتی، آیا می‌توان به رهیافت‌هایی مناسب از مدیریت راهبردی انبیای الهی بر اساس داستان‌های قرآنی، برای تحقق اقتصاد مقاومتی دست یافت؟ بدیهی است که بررسی داستان تمامی انبیای الهی در ظرف یک مقاله امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین، این پژوهش تنها به داستان یوسف نبی محدود شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که با توجه به داستان یوسف نبی (ع) می‌توان ادعا کرد که راهبرد اقتصاد مقاومتی در بستر مدیریت راهبردی اسلامی، معنادار است و می‌تواند در گذر از بحران تحریم کشور، کارساز باشد.

ادبیات پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در زمینه موضوع این تحقیق سه مبحث رهیافت‌های قصص قرآنی، مدیریت راهبردی و اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ از این رو می‌توان اهم مطالعات انجام یافته در این سه حوزه را مورد بررسی قرار داد.

مطالعات مهم انجام گرفته در حوزه رهیافت‌های قصص قرآنی دربرگیرنده موارد مهم زیر

است:

دیباجی (۱۳۸۷) در کتاب خود میان الگوهای حکومت‌داری پیامبران در قصص قرآن نقاط اشتراک و تمایز قابل استفاده‌ای را از ابعاد تدبیر امور عمومی و سیاستگذاری استخراج کرده است. نقی پورفر (۱۳۷۱)، در اثر خود با بهره‌گیری از راهبرد قصص‌محور، به بررسی اصول و الگوهای مدیریتی قصص قرآنی، از جمله داستان‌های ابراهیم و ذبح اسماعیل، ابراهیم و آتش نمرود، یونس و خروج بدون اذن الهی، لوط و فرمان خروج، موسی و فرمان خروج و نظایر آن، پرداخته است. محمدی سیرت (۱۳۹۱) بعد از بررسی چارچوب مفهومی بحران در قرآن کریم و رابطه آن با جنگ، جهاد، رعب و... به قصص پیامبران الهی اولوالعزم (حضرت نوح(ع)، حضرت موسی(ع) و نبی اکرم(ص)) اشاره کرده است و بعد از تحلیل بحران‌هایی که پیامبران الهی با آن مواجه شدند، به اصول مدیریت بحران توسط آن‌ها در سه مرحله: قبل، حین و بعد از بحران اشاره کرده است. عباسی مقدم (۱۳۷۹) در پژوهشی اسوه‌های قرآنی را طرح کرده و شیوه‌های تبلیغی آنان را واکاوی نموده است.

مطالعات مهم انجام گرفته در حوزه مدیریت راهبردی اسلامی مشتمل بر موارد مهم زیر است: حسین سالاری (۱۳۹۵) به تبیین مدیریت راهبردی در اسلام پرداخته و در صدد تدوین راهبرد در حکومت علوی برآمده است. رضا بنی اسد (۱۳۹۰) بحث مدیریت راهبردی را با تأکید بر جهاد

اقتصادی تبیین و تشریح نموده است. ابراهیم حسن بیگی (۱۳۹۰) به بحث مدیریت راهبردی پرداخته و در بخش‌هایی به رهیافت‌های اسلامی اشاره کرده است. سید محمد مقیمی (۱۳۹۴) در کتاب اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام به آکاوی برنامه‌ریزی پرداخته است. پیروز و همکاران (۱۳۸۴) در کتاب مدیریت در اسلام به برنامه راهبردی حضرت یوسف اشاره کرده‌اند.

مطالعات مهم انجام گرفته در حوزه اقتصاد مقاومتی در برگیرنده موارد مهم زیر است: سیف (۱۳۹۱) پس از تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی به ارائه الگوی اقتصاد مقاومتی در ایران پرداخته است؛ وی پس از تبیین مولفه‌های رشد، عدالت و ثبات به راهبردهای مقابله با تحریم اقتصادی غرب پرداخته است.

تاری و کاویانی (۱۳۹۲) بدین نتیجه دست یافته‌اند که اقتصاد مقاومتی در بلند مدت تا حدود زیادی به یک اقتصاد توسعه‌یافته و سالم شباهت دارد؛ با این تفاوت که تهدیدهایی را که از سوی جامعه جهانی وجود دارد، همواره در نظر می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی در کوتاه مدت نیز بر بسیاری از شاخص‌های یک اقتصاد توسعه یافته مانند کاهش وابستگی به نفت، تنوع در کالاهای صادراتی، کاهش بیکاری و... تأکید دارد. لیکن برای خروج از بحران می‌توان سیاست‌هایی را اتخاذ کرد که در بلند مدت بدان‌ها توصیه نمی‌شود.

فشاری و پورغفار (۱۳۹۳)، در تحقیق خود به ارائه راهکارهای مناسب برای ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی و راه حل مقابله با تحریم‌ها و همچنین تقویت توان و ظرفیت تولید داخلی می‌پردازد.

میرمعزی (۱۳۹۱) پس از تفسیر و تبیین دیدگاه مقام معظم رهبری، تصریح کرده است که ایشان معتقدند که اقتصاد مقاومتی، شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در مواجهه با تهدیدات اقتصادی، تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌کند.

ترابزاده جهرمی و همکاران (۱۳۹۲)، مهندسی اقتصاد مقاومتی را طراحی و مدل سازی ویژه‌ای از شرایط و سازوکارهای اقتصادی می‌دانند که فضای اقتصادی کشور را در فرض وجود تهدیدات به حالت فعال به مواجهه با تهدیدات وا داشته و همه تهدیدات را به فرصت تبدیل می‌کند.

حسین‌زاده بحرینی (۱۳۹۲) معتقد است که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که مدیریت آن، راهبردی و همه‌جانبه نگر است و خاستگاه آن تحریم‌های اقتصادی دشمن نیست؛ بلکه سند چشم‌انداز بیست ساله کشور است.

سیفلو (۱۳۹۳) معتقد است که اقتصاد مقاومتی در یک پارادایم نظامی در واقع راهبرد دفاع غیر عامل اقتصادی است وی تلاش کرده تا الگویی مبتنی بر جنگ اقتصادی و دفاع غیر عامل اقتصادی جهت عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی طراحی کند. وی در اثر دیگر خود اقتصاد مقاومتی را به عنوان یک راهبرد اقتصادی معرفی می کند که با مقاوم سازی اقتصادی به صورت مطلق مترادف نیست؛ وی معتقد است که ترادف این دو مفهوم مستلزم خروج مفهوم مقاوم سازی اقتصادی از حالت انفعال به حالت فعال است.

اسدی (۱۳۹۳) بر این باور است که اقتصاد مقاومتی قادر است که در شرایط بروز ناملایمات، حوادث، بحران‌ها به صورت پویا و پایدار منابع را به شکل بهینه تخصیص دهد. وی اقتصاد مقاومتی را ثمره شجره اقتصاد اسلامی می داند.

پیغامی (۱۳۹۴) به مجموعه کاملی از نظام موضوعات اقتصاد مقاومتی (همچون: جایگاه اقتصاد مقاومتی و راهکارهای عملیاتی شدن آن، مردمی کردن اقتصاد، راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی و...) در اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته است. اگر چه مطالعات در سه حوزه مدیریت راهبردی اسلامی، رهیافت‌های قرآنی داستان‌محورو اقتصاد مقاومتی وجود دارد، مع الوصف پژوهشی که بتواند این سه حوزه را با هم مرتبط سازد، انجام نگرفته یا اینکه ما بدان دست پیدا نکرده‌ایم؛ با این توصیف پژوهش حاضر دارای نوآوری بوده و با سایر پژوهش‌ها تمایز دارد. بدیهی است که این تحقیق از سایر پژوهش‌های پیشین در دو بعد اساسی ممتاز است؛ بعد اول، اینکه تا کنون تحقیق مستقل پیرامون تبیین جایگاه مدیریت راهبردی اسلامی در ادبیات علمی اقتصاد مقاومتی مغفول مانده است. بعد دومی که می تواند از ابداعات اصلی این تحقیق تلقی شود، اصطیاد تبیین مدیریت راهبردی حضرت یوسف (ع) در تحقق بخشی به الزامات اقتصاد مقاومتی برای مدیریت بحران است.

مفهوم اقتصاد مقاومتی

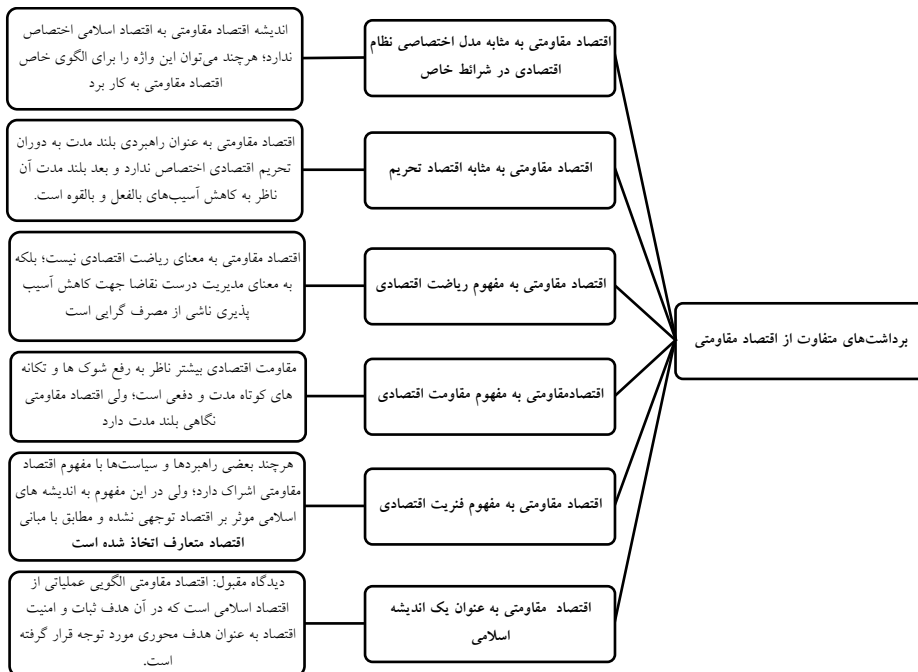
مقاومت از ریشه "قوم" و از باب مفاعله است و مفاهیمی مانند قوام، قیام، استقامت، مستقیم، هم از این ماده اشتقاق یافته‌اند (الزبیدی ۲۰۰۸ ص ۵۹۳). استعمال صفت مقاومتی برای اقتصاد، دلالت بر حالتی از اقتصاد می کند که از درون دارای قوام و استحکام باشد و در مواجهه با عوامل تهدیدزای خارجی نیز بتواند قوام و پایداری خود را حفظ کند. گر چه اقتصاد مقاومتی در حال حاضر راهی اساسی برای مقابله با توطئه و نقشه دشمن در شرایط تحریم و فشارهای اقتصادی است، اما در واقع راهبرد بلندمدت نظام جمهوری اسلامی جهت تحقق اقتصاد اسلامی نیز است؛

زیرا درون‌زا بودن و اتکای بر منابع و نیروهای داخلی کشور از ویژگی‌های بارز آن است. در تعریف اقتصاد مقاومتی می‌توان گفت: اقتصاد مقاومتی نوعی راهبرد بلند مدت اقتصادی است که درون‌زا و برون‌نگر بوده و در برابر آسیب‌های درونی و بیرونی به اقتصاد، پایداری می‌بخشد و موجب رشد و شکوفایی اقتصادی کشور شده و جامعه اسلامی را به عزت، اقتدار و استقلال کامل می‌رساند. از این رو جامعه اسلامی در صورتی دارای اقتصاد مقاومتی است که نخست در ساخت درونی خودش برخوردار از قوام باشد و دوم در مقابل تهدیدهای بیرونی نیز قدرت ایستادگی و پایداری داشته باشد (خلیلیان اشگذری، ۱۳۹۵: ۱۶۲). بر این اساس بهترین تعریف را خود مقام معظم رهبری به این صورت بیان فرموده‌اند:

"اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین‌کننده رشد و شکوفایی یک کشور باشد." (بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶)

بر اساس فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی در این حوزه، می‌توان اذعان داشت که اقتصاد مقاومتی الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور است که درون‌زا، مردم‌بنیاد، دانش‌بنیاد و عدالت‌محور است. درون‌زایی اقتصاد بدین معناست که از دل ظرفیت‌های داخلی کشور جوشش می‌یابد و رشد و به ثمر نشستن آن به اتکا امکانات داخلی کشور خواهد بود. این اقتصاد در عین حال که درون‌زاست برون‌نگر است و با اقتصادهای جهانی در تعامل و ارتباط خواهد بود. مردم‌بنیاد است و چرخ اصلی آن بر محور مردم به حرکت در می‌آید و به جای اتکا به دولت بر اراده مردم، سرمایه مردم و حضور مردم متکی است. این اقتصاد عدالت‌محور است و با حداکثر کردن تولید و افزایش ثروت ملی درصدد بهبود معیشت مردم خواهد بود. مقاوم‌سازی و محکم‌سازی پایه‌های اقتصادی از لوازم اولیه تحقق اقتصاد مقاومتی است. کشور ما در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی دارای ظرفیت‌های بیشماری است؛ در بحث نیروی انسانی کشور می‌تواند از ظرفیت ده میلیون دانش‌آموخته دانشگاه‌ها، بیش از چهار میلیون دانشجوی و میلیون‌ها نیروی مجرب و ماهر بهره‌مند شود. در حوزه منابع طبیعی مجموع نفت و گاز کشور ما افزونتر از همه کشورهای دنیاست و علاوه بر آن معادن طلا و فلزات کمیاب و سنگ آهن و سنگ‌های قیمتی و... در کشور به وفور یافت می‌شود. از لحاظ موقعیت جغرافیایی با ۱۵ کشور با جمعیتی بالغ بر ۳۷۰ میلیون نفر همسایه‌ایم. در جنوب به دریای آزاد و در شمال به آب‌های محدود منتهی می‌شویم. در حوزه

زیرساخت‌های نرم‌افزاری از سیاست‌های اصل ۴۴ و سند چشم‌انداز بهره‌مندیم و در زیرساخت‌های سخت‌افزاری از زیرساخت‌های گوناگون مثل جاده و سد و پل و کارخانه و.. متنعمیم. همه آنها می‌توانند کشور را برای نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی کمک کنند. برای تحقق این امر مسئولان، صاحبان سرمایه و نیروی کار باید از تولید ملی حمایت کرده و صاحبان سرمایه، فعالیت‌های تولید را بر سایر فعالیت‌ها ترجیح دهند و همه مردم در همه سطوح تولید ملی را ترویج نمایند (برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری، حرم مطهر رضوی، khamenei.ir). پس از معرفی اندیشه اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری، برداشت‌های متفاوتی از این مفهوم ارائه شده است که حضرت ایشان در سخنرانی‌های متعددی این اندیشه را از لوث شائبات منقح کردند. که در زیر به اختصار اشاره شده است:



نمودار ۱. اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک اندیشه اسلامی، منبع: توکلی و همکاران، ص ۲۵

بنابراین با توجه به نمودار فوق‌الذکر می‌توان گفت که با رد نظریات رقیب، می‌توان اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان یک اندیشه اسلامی، ناظر به تجزیه و تحلیل آسیب‌پذیری‌های اقتصاد و ترندهای ایمن ساز در رویکرد اسلامی تعریف نمود (توکلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴). بدیهی است

که اقتصاد مقاومتی در ابعاد مختلف می تواند در پرتو بهره‌گیری از رهیافت‌های قرآنی و تدوین الگوی دینی آن با اتخاذ سیاست‌های صحیح دولتمران و سیاستیون در مرحله سیاست‌گذاری و اجرا محقق شود. الگوی مدیریت راهبردی اسلامی در زندگی انبیای الهی همچون حضرت یوسف (ع) در مقابله با بحران‌های به‌وجود آمده، برای مقاوم‌سازی اقتصاد از جلوه خاصی برخوردار است که در این پژوهش تلاش می‌شود تا الگوی مورد نظر تبیین و سپس به بررسی مدیریت راهبردی یوسف نبی (ع) با تاکید بر اقتصاد مقاومتی شود.

مفهوم مدیریت راهبردی

مدیریت راهبردی^۱، هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیمات وظیفه‌ی چندگانه‌ایست که سازمان را قادر می‌سازد به اهداف بلندمدت خود دست یابد؛ با توجه به این تعریف، فرآیند مدیریت راهبردی دربرگیرنده سه مرحله تدوین راهبردها، اجرای آن‌ها و ارزیابی نتایج عملکردی است (دیوید، ۱۹۹۷).

با نگاهی به آموزه‌های اسلامی مشاهده می‌شود که برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی در تفکر اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چه اینکه، ضرورت برنامه‌ریزی در آینه عقل و شرع مبرهن است؛ این ضرورت، به‌صورت ارشادی و امضائی مورد تأیید آموزه‌های اسلامی است؛ پیامبر اکرم «صلی ... علیه و آله» به ابن مسعود می‌فرماید: "زمانی که کاری و فعالیت را انجام می‌دهی با آگاهی و تأمل انجام بده و در آن اندیشه کن و از اینکه کاری را بدون اندیشه و تدبیر انجام دهی پرهیز کن" (مجلسی ۱۴۱۳ ق ج ۷۷: ۱۰۰). روح کلام رسول خدا (ص) از منبع وحی یعنی قرآن کریم سرچشمه می‌گیرد؛ چنانچه آن حضرت چنین استدلال می‌نماید که خداوند فرمود: «و لا تکنونوا کالذی نقضت غزلها من بعد قوه انکاثا» (نحل آیه ۹۲) «همانند زنی نباشید که (بدون برنامه‌ریزی) پشم‌ها را بعد از رسیدن و نخ کردن به حالت اولیه خود در می‌آورد و آن‌ها را از هم باز می‌کند» برخی بر این باورند که این آیه تفسیر آیه «ولا تنقضوا الیمان بعد توکیدها» بعد از محکم کردن قسم‌ها آن‌ها را نقض نکنید (نحل، ۹۱). گو اینکه اگر کسی متعهد به کاری شد و پیمان بست نباید نقض عهد کند (طباطبایی، ج ۱۲ ذیل آیه) از آنجا که مسأله وفای به عهد، یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌ها برای ثبات هر جامعه است در آیه بعد نیز با لحن توأم با نوعی سرزنش و ملامت، آن را تعقیب کرده می‌گوید: شما همانند آن زنی نباشید که پشم‌ها را تابیده اما پس از آن

همه را وا می‌تابید (نحل، ۹۲)؛ آیه شریفه فوق، بر ضرورت داشتن هدف و برنامه قبل از انجام فعالیت و یا کاری اشاره دارد و در کنار کلام گهربار نبی اکرم «صلی... علیه و آله» و استدلال آن حضرت بر این آیه، برداشت مفهومی ضرورت برنامه‌ریزی به صورت مطلق را قبل از عمل روشن و مبرهن می‌سازد و بدیهی است که اطلاق آیه و سیاق آن در برگزیده برنامه‌ریزی راهبردی است. در چارچوب مدیریت راهبردی، تفکر راهبردی، چشم‌انداز و بصیرت راهبردی، مقاصد و اقدامات راهبردی معنادار است.

تفکر راهبردی در فرهنگ اسلامی

به‌طور کلی نظام آفرینش ابرنظامی است که در آن تفکر راهبردی الهی حکمفرماست؛ این نظام به نام نظام احسن در مفاهیم دینی مورد توجه قرار گرفته، چنانچه در کلام وحی به احسن الخالقین معنون گشته است (مؤمنون ۱۴) و انبیاء الهی به دنبال تفهم و تفهیم این نظام احسن و هدایت، رشد و اعتلای بشریت و خدمت معنوی و ارشادی بر اساس تفکر راهبردی در این نظام احسن بوده‌اند (امام خمینی ج ۱۸: ۶) و از این روست که تزکیه و تعلیم از جمله فعالیت‌های آنان است (بقره ۱۲۹). در دایره این تفکر راهبردی الهی، پیامبر اسلام الگویی از مکتب الهی را به تصویر کشید که نظام تکوینی خلقت در آینه آن تفسیر شد؛ این الگو را «اسلام» نامید؛ در مسیر تحقق این الگوی راهبردی، ۲۳ سال زحمت کشید؛ اوصیاء ایشان نیز زحمات طاقت‌فرسایی کشیدند؛ در دالان راهبردی اسلامی، پیامبر اسلام حکومت نبوی را پایه‌گذاری کرد؛ خلفاء بعد از ایشان مسیر را ادامه دادند حضرت علی (ع) ابتدا با راهبرد سکوت معنادار (نهج البلاغه خطبه ۳) و سپس با تشکیل حکومت علوی و مرجعیت دینی و معنوی مسیر را پاکسازی نمود؛ امام حسن (ع) راهبرد صلح را برای بسترسازی قیام عاشورا انتخاب کرد و امام حسین (ع) راهبرد جهاد و شهادت را برگزید و در ادامه این تفکر راهبردی توحیدی، امام سجاد (ع) راهبرد دعا و نیایش و امام باقر (ع) و امام صادق (ع) تشکیل دانشگاه اسلامی و تبیین معارف علمی و دینی را به‌عنوان راهبرد به اجرا گذاشتند و ائمه بعدی نیز به صورت اقتضایی با توجه به شرائط محیطی حرکت راهبردی خود را تنظیم کردند؛ این حرکت در زمان غیبت با وجود رهبران دینی در تفکر ولایت فقیه استمرار می‌یابد. یکی از ویژگی‌های نگرشی داشتن تفکر راهبردی در ترسیم هدف است امیرمؤمنان حضرت علی (ع) در مورد داشتن نگرش و تفکر راهبردی می‌فرماید: بهترین همت‌ها، عالی‌ترین آن‌ها است (آمدی، ۱۳۳۷ق، ح ۴۹۷۷). شاید توصیه به داشتن همت عالی و بلند بدین معنا باشد که آدمی باید اندیشه‌ای بزرگ و تفکری راهبردی داشته باشد؛ چه اینکه داشتن چنین نگرش عالی باعث افزایش

انگیزه افراد برای به دست آوردن اهداف سترگ می شود. این نکته ای است که می توان از گفتار حضرت علی (ع) استفاده کرد؛ آنجا که می فرماید: تلاش و کوشش ها به اندازه همت ها خواهد بود (آمدی، ۱۳۳۷ق، ح ۶۱۸۷)؛ یعنی هر قدر تفکر و اندیشه راهبردی و عالی تر باشد، انگیزه های افراد فزونی می یابد و تلاش و کوشش بیشتری برای دستیابی به اهداف می کنند؛ چرا که دستیابی به اهداف با نگاه راهبردی و بلند، تلاش و کوشش بیشتری را طلب می کند. حضرت علی (ع) در این زمینه می فرماید: هر کس که همتش بزرگ باشد، تلاش و کوشش او بیشتر خواهد بود (آمدی، ۱۳۳۷ق، ح ۷۸۵۰).

چشم انداز و بصیرت راهبردی اسلامی

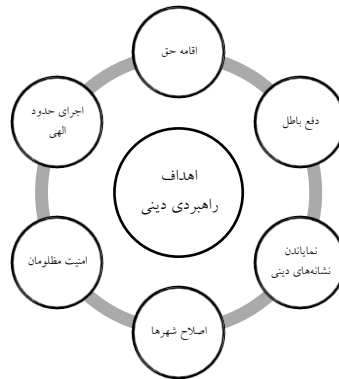
یکی از مفاهیم راهبردی در فرهنگ اسلامی، «چشم انداز و بصیرت راهبردی» است؛ خداوند متعال در دالان راهبردی توحیدی، چشم انداز خلقت عالم کبیر (دنیا، برزخ و آخرت) را تحقق و به فعلیت رسیدن کمال انسانی می داند؛ چنانچه «عالم کبیر» را تحفه ای برای انسان کامل به تصویر می کشد؛ قرآن در این زمینه با عبارات متعدد مانند «خلق لکم» یا «سخرلکم» خلقت مظاهر عالم همچون آسمان و زمین، شب و روز، خورشید و ماه و دیگر پدیده های جهانی را هدایایی برای انسان شمرده و در واقع فلسفه وجودی این پدیده ها را برای بشر ارزیابی می کند (جائیه ۱۳، ابراهیم ۳۲ و ۳۳، حج ۳۶، زخرف ۱۳). چنانچه مشاهده می شود، قرآن با این تعبیر نشان می دهد که کل عالم هستی برای انسان خلق شده است؛ مع الوصف در تفکر توحیدی، چشم انداز خلقت بشری را «عبودیت» می خواند (ذاریات ۵۶)؛ از این رو، عبودیت الهی به عنوان چشم اندازی است که در دالان تفکر توحیدی معنا دار است و ترسیم حرکت و مقصد راهبردی توسط رهبران الهی برای دستیابی به این چشم انداز است؛ چنانچه علی (ع) می فرماید: تلاشت را برای آخرت قرار بده (آمدی ۱۳۳۷).

از سیاق برخی از آیات الهی استفاده می شود که برای دستیابی به حکومت و مدیریت جهانی وجود عبودیت به عنوان عنصری راهبردی در کنار شایستگی و صلاحیت ضروری است؛ قرآن وعده می دهد که زمین در نهایت از آن کسانی است که دو عنصر مهم و راهبردی (شایستگی و بندگی) را داشته باشند (انبیاء ۱۰۵). خداوند بلافاصله در آیه بعد بر روی عبودیت افراد تأکید مجدد می کند (انبیاء، ۱۰۶)؛ از این رو، حاکمیت و مدیریت بر زمین در منظر الهی با داشتن چشم انداز شایستگی و عبودیت امکان پذیر است؛ ناگفته نماند که حرکت در دالان راهبردی توحیدی بدون تدوین برنامه مدون و بدون بصیرت و آگاهی امکان پذیر نیست؛ همه رهبران و نیروها لازم است با شناخت و بصیرت راهبردی، مسیر توحیدی را ادامه دهند؛ قرآن می فرماید: بگو

این راه من و پیروانم است که خلق را به خدا با بصیرت و آگاهی دعوت کنم (یوسف ۱۰۸)؛ با توجه به مفهوم این آیه شریفه، عبودیت، چشم‌اندازی الهی است که از منظر قرآن بایسته است با بصیرت راهبردی توأم شود.

مقاصد و اقدامات راهبردی اسلامی

منظور از مقاصد راهبردی، اهداف کلیدی و مهمی است که مدیران در دالان راهبردی خود جهت تحقق بخشی به چشم‌انداز، بر محور آنها حرکت خود را تنظیم می‌کنند؛ اهداف محوری در آموزه‌های اسلامی مشتمل بر اهدافی الهی است که جهت‌های اصلی حرکت مدیران را مشخص می‌کند معمولا مدیران در مدیریت غیر دینی به دنبال اهداف مادی بوده و در صدد تحقق بخشی به مقاصد غیر معنوی‌اند؛ آنان به دلیل درگیری روزانه و تمرکز بر مقاصد مادی از اهداف معنوی غفلت می‌کنند؛ این نقیصه در بین مدیران مسلمان نیز دیده می‌شود، شاید بتوان گفت که علت این امر در عدم باور این مدیران به اهداف توحیدی است؛ اما از گزاره‌های دینی استفاده می‌شود که تنها بسنده کردن بر اهداف مادی و غفلت از مقاصد الهی با روح تعالی بشری سازگار نیست؛ بنابراین، امیر مؤمنان در رویکردی الهی هدف از مدیریت را اقامه عدالت و جلوگیری از فساد به تصویر می‌کشد؛ این موضوع در قضیه زیر نشان داده شده است. آن حضرت زمانی که در «ذی‌قار» مشغول وصله کردن کفش خود بود، از یکی از فرماندهان یعنی «ابن عباس» ارزش ریالی کفش را جویا می‌شود، ابن عباس در جواب حضرت عرضه می‌دارد که این کفش ارزش چندانی ندارد؛ سپس آن حضرت خطاب به ابن عباس می‌فرماید: حکومت و مدیریت بر شما از این کفش کم ارزش‌تر است؛ مگر اینکه در بردارنده اقامه حق، دفع باطل، نمایاندن و بر گرداندن نشانه‌های دینی، اصلاح شهرها، ایمنی و امنیت مردم مظلوم و اجرای حدود الهی باشد (نهج البلاغه نامه ۲۸ و ۵۳)؛ بدین‌سان، اهداف الهی راهبردی زیر در گفتار حضرت مورد تاکید قرار می‌گیرد. نمودار زیر اهداف راهبردی دینی در کلام امیر المومنین (ع) را به نمایش گذاشته است:



نمودار ۲. اهداف راهبردی دینی در گفتامان رفتاری امیر المومنین علی علیه السلام

انبیای الهی برای نیل به اهداف فوف الذکر، اقدامات راهبردی دینی متناسب با عصر و زمانه خویش اتخاذ کردند. منظور از «اقدام راهبردی دینی» اقدامات و عملیات مدیرانه و متحورانه‌ای است که رهبران و مدیران در جامعه یا سازمان‌های خود انجام می‌دهند و این اقدامات باعث تغییر راهبردی می‌شود؛ در تاریخ حرکت دینی می‌توان اقدامات راهبردی زیادی را در فعالیت‌های رهبران و مدیران الهی مشاهده کرد که به‌عنوان نمونه می‌توان به اقدام حضرت ابراهیم (ع) برای شکستن بتها (انبیاء ۵۸)، اقدام حضرت ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) برای بناء و تعمیر خانه خدا (بقره ۱۲۵)، اقدام حضرت نوح (ع) برای ساختن کشتی (هود ۳۶)، اقدام حضرت موسی (ع) برای هدایت و ابلاغ پیام به فرعونیان (قصص آیات ۳-۴۲)، اقدامات حضرت یوسف برای نجات کشور مصر از بحران (یوسف، ۴۷)، اقدام حضرت محمد (ص) برای ابلاغ جانشینی حضرت علی (ع)، (مائده ۶۷) اشاره کرد که در این تحقیق تنها اقدامات راهبردی حضرت یوسف (ع) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مدیریت راهبردی یوسف نبی (ع) بستر مقاوم‌سازی اقتصاد

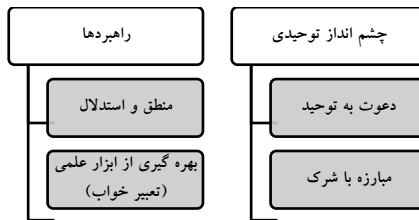
نام «یوسف» ۲۷ بار در قرآن ذکر شده است؛ جریان یوسف در قرآن کریم به «احسن القصص» تعبیر گردیده است؛ چرا که در جزء جزء این قصه، معیارهای حق و مشیت الهی وجود دارد؛ در قصه یوسف (ع)، حوادث این دنیا با عالم غیب مرتبط نشان داده شده است (یوسف، ۴). آن حضرت ویژگی‌های خاصی داشته؛ از این رو، حاکمیت که حق خداست به یوسف داده شده است (یوسف ۲۲)؛ به‌همین خاطر، یوسف را برگزیده است (یوسف ۶)؛ چراکه بر اساس نظر برخی از اندیشمندان اسلامی، حضرت یوسف (ع) به حقایق و ریشه‌های پدیده‌های عالم شناخت داشت

(طباطبایی ج ۱۱: ۸۶). اگر چه، آن حضرت در مسیر حاکمیت دینی ناملایماتی می‌بیند (یوسف ۱۹)؛ با این حال، برنامه‌ریزی و تدبیر در فعالیت‌ها و رفتار آن حضرت بسیار دیده می‌شود (یوسف ۷۶ و ۵۹). با عنایت به مفروضات پیش‌گفته پرسش کلیدی در اینجا این است که الگوی راهبردی حضرت یوسف در مقابله با بحران برای مقاوم‌سازی اقتصاد مشتمل بر چه عناصری است؟ به نظر می‌رسد الگوی راهبردی حضرت یوسف (ع) که در گزارش قرآن بر آن مهر تأیید خورده (یوسف ۴۵-۴۹، ۵۶) می‌تواند در برگیرنده عناصری همچون «چشم‌انداز توحیدی»، «راهبرد، اصول راهبردی توحیدی» و «اقدام و اجرای راهبردی توحیدی» باشد.

چشم‌انداز و راهبردهای حضرت یوسف (ع)

حضرت یوسف (ع) همانند نیاکان توحیدی خود دارای چشم‌انداز توحیدی بود و مساعی خود را در مسیر دعوت به توحید و مبارزه با شرک مصروف نمود؛ گزارش قرآن نشان می‌دهد که حضرت با مردود شمردن چشم‌انداز مشرکان (عدم باور به خدا و آخرت) (یوسف ۳۷)، چشم‌انداز خود را بر پایه چشم‌انداز نیاکان خود یعنی حضرت ابراهیم (ع)، حضرت اسحاق (ع) و حضرت یعقوب (ع) مبتنی می‌سازد (یوسف ۳۸). آن حضرت چشم‌انداز توحیدی را از جمله فضل و عنایت الهی بر خود، پدران و همه مردم توصیف می‌کند و شکر این نعمت‌ها را خواستار می‌گردد (همان). از این رو دعوت به توحید و مبارزه با شرک به‌عنوان چشم‌انداز آن حضرت تلقی می‌شود؛ اینک سؤال این است که آن حضرت در مسیر چشم‌انداز توحیدی، چه راهبردهایی اتخاذ کرده و تدوین آنها چگونه بوده است؟ به نظر می‌رسد که تدوین راهبرد توسط حضرت در پاره‌ای از مواقع با بهره‌گیری از الگوی برنامه‌ریزی رسمی و در مواردی از الگوی کارسالارانه و در برخی موارد به گونه انطباقی صورت گرفته است؛ چه اینکه در گزارش قرآن، راهبرد حضرت برای تحقق چشم‌انداز توحیدی با بهره‌گیری از شیوه‌های فوق قابل فهم است؛ همچنان‌که آن حضرت به شیوه انطباقی و تحلیل شرایط درونی و محیطی حاکم به رفقای زندانی خود با راهبرد «استدلال و منطق» توحید و یگانگی را عرضه می‌دارد (یوسف ۳۸)؛ سپس با استدلال، خط‌مشی آنان را مردود اعلان کرده و توحید و یگانگی را به‌عنوان تنها آیین محکم بیان می‌دارد (یوسف، ۴۰). بنابراین، حضرت در مسیر تحقق چشم‌انداز توحیدی، راهبرد خود را بر پایه استدلال و منطق بنا نهاده و مردم زمانه خود را به توحید دعوت می‌کند؛ از طرف دیگر می‌توان ادعا کرد که با تحلیل مسائل مهم عصر ایشان از جمله شیوه حل مشکل خشک‌سالی در مصر توسط حضرت یوسف (ع) و تحلیل آیات مرتبط با داستان تدوین برنامه راهبردی توسط حضرت فهمیده می‌شود که راهبرد دوم حرکت

حضرت یوسف (ع) با بهره‌گیری از الگوی برنامه‌ریزی رسمی و در پاره‌ای مواقع با استفاده از الگوی کارسالانه و خلق فرصت‌ها و مهار تهدیدها بر مبنای بهره‌گیری از ابزار علمی همچون دانش تعبیر خواب بوده است؛ بدیهی است که هدف اصلی حضرت نجات مردم در امور دنیوی (مادی) و اخروی (معنوی) است. آن حضرت برای نجات مردم از شرک و بت‌پرستی از یک‌سو و از سوی دیگر نجات آنان از تهدیدهای مادی مانند خشک‌سالی و فقر، دست به تدوین برنامه راهبردی زد؛ چشم‌انداز و راهبردهای حضرت یوسف (ع) در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۳. چشم‌انداز و راهبردهای حضرت یوسف (ع)

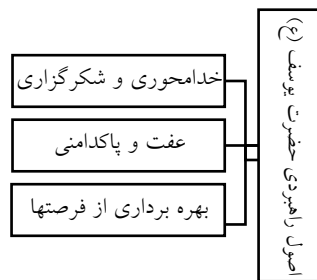
اصول راهبردی حضرت یوسف (ع)

با بررسی زندگی حضرت یوسف (ع) و قضایای مرتبط با وی می‌توان به اصول مهم در الگوی راهبردی وی دست یافت که ذیلاً به مواردی اشاره می‌شود.

الف) خدامحوری و شکرگزاری از خدا: شاید بتوان ادعا کرد که اساسی‌ترین اصل در الگوی راهبردی حضرت یوسف (ع) که متخذ از مبانی دینی بوده، خدامحوری و اتکال به خدا در مراحل مختلف زندگی است؛ گفتار این رهبر الهی سرشار از توحید و عبودیت خداست و این موضوع را آیین محکم می‌خواند (یوسف، ۴۰). در جای دیگر آیین پدران خود یعنی ابراهیم، اسحاق و یعقوب که آیین توحیدی است، آیین خود می‌خواند و بر این امر تاکید می‌کند که شرک بر خدا سزاوار و شایسته خاندان ما نیست (یوسف، ۳۸). آن حضرت این خدامحوری و توحید گرایی را عنایت حضرت حق به خود و همه مردم شمرده و ضمن اینکه خود از خداوند به خاطر این نعمت بزرگ سپاسگزاری می‌کند، مردم را بدان دعوت می‌کند (یوسف ۳۸). آن حضرت به مصادیق فضل الهی تصریح کرده و همه نعمت‌ها را از جانب خدا می‌داند (یوسف ۱۰۱). از این‌رو حضرت یوسف (ع) با محوریت توحیدی از نعمت‌های بی‌شمار الهی سپاسگزاری کرده و همه فضائل را از او می‌داند و این اصلی مهم در الگوی راهبردی آن حضرت بوده است.

ب) **عفت و پاکدامنی:** داستان عفت و پاکدامنی یوسف (ع) و امتناع وی از پذیرش درخواست خیانت‌آمیز زلیخا نشانگر التزام حضرت به اصل مهم عفت و پاکدامنی است؛ چه اینکه، خیانت به خانواده از سوی زلیخا با پاکدامنی مغایرت داشته و امتناع حضرت از آلودگی دربرگیرنده شایستگی اخلاقی و فضیلت انسانی است؛ این قضیه نشان می‌دهد که حضرت رضای الهی را ترجیح داده و همین مسأله باعث خشم هوسبازان و قدرتمندان شده و برای حضرت مجازات زیادی از جمله زندان را به دنبال داشت. با این وجود زندان برای ایشان محبوب‌تر از گناه و آلودگی بود؛ قرآن از زبان حضرت زندان را محبوب‌تر از آلودگی اخلاقی دانسته است (یوسف، ۳۳). پاکدامنی و عفت از ناحیه یوسف به قدری زیاد است که منجر به پاره شدن پیراهن حضرت شده و در نهایت زلیخا در حضور زنان درباری به عصمت و پاکدامنی یوسف اعتراف می‌کند (یوسف ۳۲). همچنان‌که زلیخا و زنان دربار نیز در حضور پادشاه مصر به بی‌گناهی یوسف اعتراف کرده و به عفت وی اذعان نمودند (یوسف ۵۰-۵۱).

ج) **بهره‌برداری از فرصت‌ها:** از جمله اصول مهم حضرت یوسف (ع) استفاده از فرصت‌ها برای تحقق چشم‌انداز توحیدی است؛ چنانچه آن حضرت قبل از زندان و حتی در درون زندان برای این امر مهم استفاده می‌کند. در گزارش قرآن دیده می‌شود که وقتی دو رفیق زندانی خواب می‌بینند و حضرت آن را تعبیر می‌کند، یوسف به ارشاد توحیدی پرداخته و آنان را دعوت به خدا می‌کند (یوسف ۳۹). افزون بر این، دیده می‌شود که آن حضرت بارها در زمان آزادی و صدارت خود از فرصت‌ها برای هدایت مردم و دعوت به توحید استفاده کرده و با مشرکان و ملحدان مبارزه نمود تا اینکه در تمامی آن سرزمین حکومت توحیدی ایجاد و مستقر ساخت؛ چنانکه بهره‌برداری از فرصت‌ها در برنامه راهبردی یوسف مشاهده می‌شود (یوسف ۴۷). در نمودار زیر اصول راهبردی حضرت یوسف به نمایش در آمده است



برنامه‌ریزی راهبردی حضرت یوسف (ع)

یکی از الگوهای مهم در آموزه‌های اسلامی، الگوی پیشنهادی حضرت یوسف (ع) برای برنامه‌ریزی راهبردی کشور مصر است؛ وی با مطالعه دقیق و شناخت از وضعیت موجود و پتانسیل‌های آن کشور، برنامه راهبردی ۱۵ ساله را تدوین و به عزیز مصر پیشنهاد کرد که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

عجز دولتمردان مصر و قدرت یوسف (ع)

کشور مصر در عصر حضرت یوسف (ع) تمدنی بزرگ و پیشرفته داشت و از مواهب مادی خوبی برخوردار بود؛ شاه مصر که در آن زمان سرمست از شوکت و جلال پادشاهی بر عریکه قدرت سوار بود، در شبی از شب‌ها خوابی آشفته می‌بیند؛ زمانی که بیدار می‌شود، دولتمردان خود را جمع کرده و با آنان گفتگو و رایزنی می‌کند (یوسف، ۴۳)؛ اطرافیان سلطان اظهار داشتند که اینها خواب‌های پریشان است و ما به تعبیر خواب‌های پریشان آشنا نیستیم. در این هنگام، ساقی سلطان که سال‌ها قبل، از زندان آزاد شده بود، به یاد خاطره زندان و تعبیر خواب توسط حضرت یوسف (ع) افتاد که بسیار دقیق و صحیح تعبیر شده بود؛ ساقی با اجازه پادشاه، نزد حضرت یوسف (ع) در زندان رفت و ماجرای خواب پادشاه^۱ را برای آن حضرت شرح داد (یوسف، ۴۳-۴۶).

طراحی برنامه راهبردی توسط حضرت یوسف (ع)

حضرت یوسف (ع) بعد از شنیدن خواب شاه مصر، برنامه ای ۱۵ ساله برای کشور مصر طراحی و پیشنهاد کرد؛ یادآوری این نکته مهم است که آن حضرت نسبت به وضعیت کشور مصر شناخت کامل داشت؛ چرا که ایشان از کودکی تا عنفوان جوانی در کشور مصر و در بین درباریان زندگی کرده و از این اختیار برخوردار بود که به همه جا سرکشی نماید، از این‌رو، وی به فرهنگ و آداب و رسوم کشور مصر شناخت کامل داشته و عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) را بخوبی می‌دانست و با تحلیل آنها و با توجه به خواب شاه به طراحی برنامه راهبردی برای آن سرزمین پرداخت؛ چه اینکه آن حضرت با شنیدن خواب شاه متوجه تهدید بزرگ برای مردم زمانه خویش شد. بنابراین، به هدف‌گذاری پرداخته و با تحلیل SWOT برنامه‌ای راهبردی طراحی کرد؛ قرآن از زبان حضرت یوسف (ع) برنامه راهبردی ایشان را

۱. هفت گاو فربه را هفت گاو لاغر خوردند و هفت خوشه سبز را هفت خوشه خشک نابود کردند (یوسف، ۴۶)

چنین گزارش می‌دهد: «یوسف در تعبیر خواب گفت باید هفت سال متوالی زراعت کنید و هرخرمن را که درو کنید جز کمی که قوت خود می‌سازید، همه را با خوشه در انبار ذخیره کنید» (یوسف، ۴۷). تحلیل حضرت این است که هفت سال اول، هفت سال پرباران و در نتیجه فرصت‌هایی است که می‌توان در جهت دستیابی به هدف (نجات کشور از بحران اقتصادی و خشک‌سالی) از آنها استفاده کرد؛ بدیهی است که با توجه به ظرفیت کشور مصر و شناخت حضرت از توانایی‌ها و ظرفیت سرزمینی و اقلیمی کشور همچون وجود زمین‌های حاصل‌خیز و وجود دریای نیل و نیروی انسانی در آن سرزمین و دیگر امکانات مادی و معنوی و نیز تحلیل عوامل خارجی همچون هفت سال پرباران و تهدید هفت ساله خشک‌سالی دستور می‌دهد که به‌صورت مداوم به کاشتن گندم روی آورند. خداوند در ادامه از زبان حضرت یوسف (ع) چنین می‌فرماید: «چون این هفت سال بگذرد هفت سال قحطی پیش آید که ذخیره شما به مصرف قوت مردم برسد که از گرسنه نمیرند، جز اندکی که (برای تخم کاشتن) در انبار نگهدارید» (یوسف، ۴۸)؛ از تحلیل حضرت استفاده می‌شود که هفت سال دوم هفت سال خشک‌سالی و به تعبیری تهدیدهاست که لازم است برای آن تدبیری اندیشید و آن حضرت با بررسی و پیش‌بینی آن، تدابیر پیشگیرانه برای مواجهه با آن پیشنهاد داد. همچنان‌که مشاهده می‌شود، هفت سال اول پرباران یا سال‌های فرصت در کنار هفت سال خشک‌سالی یا تهدید قرار گرفته و جمعا ۱۴ سال را دربرمی‌گیرد و در سال پانزدهم بر اساس تحلیل آن حضرت، بحران بی‌آبی و خشک‌سالی تمام می‌شود؛ قرآن چنین گزارش می‌دهد: «آنگاه بعد از سنوات قحط و شدت مجاعه، باز سالی آید که مردم در آن به آسایش و وسعت و فراوانی نعمت می‌رسند» (یوسف ۴۹). از این‌رو با احتساب هفت سال اول پرباران و هفت سال دوم خشک‌سالی و نیز سال آخر پرباران که در گزارش قرآن آمده است، برنامه راهبردی حضرت ۱۵ ساله بوده است ($15 = 7 + 7 + 1$).

پادشاه وقتی از نبوغ و قدرت علمی حضرت آگاه شد، وی را فراخواند؛ یوسف (ع) نپذیرفت؛ مگر اینکه شاه از زنان بوالهوس مصر بخواهد که در جریان تهمت به حضرت چه کسی مقصر بوده است؟ پس از روشن شدن حقیقت با گفتار زنان، به‌ویژه زلیخا (یوسف، ۵۱) که اظهار کرد: "الآن حقیقت آشکار شد (ومن به گناه خود اعتراف می‌کنم) من به خواهش نفس خود با یوسف عزم مراوده داشتم و او (که دعوی عفت و پاکدامنی می‌کند) و البته راستگوست؛ چنانچه از این قضیه استفاده می‌شود حضرت با این کار می‌خواستند بفهمانند که آن حضرت اهل خیانت نیست و به این نکته هشدار دهند که اهل خدعه و خیانت به مقصود نخواهند رسید؛ افزون بر این، نکته

دیگری که از نوع تعامل حضرت و درخواست ایشان از پادشاه در خصوص ماجرای دست بردن زنان مصری استفاده می‌شود این است که اگر مدیرانی بخواهند اقدامی راهبردی داشته باشند، لازم است برای مردم و اطرافیان روشن شود که آنان اهل خیانت نبوده و از کارهای زشت مبرا هستند و آن حضرت پس از اثبات بی‌گناهی خود و اعتراف زنان به این موضوع، به‌سوی دربار حرکت کرد و پیشنهاد پادشاه را پذیرفت؛ چه اینکه هنگامی که آن حضرت با تعبیر رؤیای پادشاه مصر به دربار راه یافت، پادشاه به او پیشنهاد منصب داد و او را «مکین» و «امین» خواند (یوسف ۵۴)؛ در این زمان حضرت یوسف (ع) خود پیشنهاد داد که وزیر خزانه‌داری شود؛ چه اینکه، «حفیظ» و «علیم» است (یوسف ۵۵)؛ شاید این پیشنهاد به این دلیل باشد که ایشان رسالت خود را برای نجات مردم از بحران فراروی دانسته و بالطبع با توجه به برنامه راهبردی در کشور، خود را برای اجرای این برنامه صالح و شایسته می‌دانست؛ از سوی دیگر، صفت «مکین» که برای آن حضرت به‌کار رفته، دلالت بر این دارد که ایشان در حوزه تئوری و اجرا دارای منزلت و مقام است؛ برخی از مفسرین بر این باورند که منظور پادشاه مصر از این منزلت، همانا دارا بودن سلطه‌ای همچون سلطه خود او بوده است (طبرسی، ج ۵: ۳۱۲). این نوع از برداشت با تعبیر قرآن همخوانی دارد؛ آنجا که می‌فرماید: «یتبوء منها حیث یشاء» (یوسف ۵۶)؛ «یوسف هرگونه که می‌خواست در آن قلمرو تصرف می‌نمود.» از این‌رو مشخص می‌شود که حضرت یوسف اختیار تام داشته که در زمینه برنامه‌ریزی و اجرا هرگونه می‌خواست، عمل کند.

پیشفرض‌های مهم در تدوین برنامه حضرت یوسف (ع)

در تدوین برنامه راهبردی حضرت یوسف (ع) پیشفرض‌های مختلفی مورد توجه بوده است که به مهم‌ترین آن اشاره می‌شود:

۱. آن حضرت از کودکی در کشور مصر و در بین دربار حکومتی بوده و سالیان زیادی با مردم مصر زندگی کرده است؛ بنابراین، به فرهنگ و ارزش‌های آنان آشنا بوده است (شناخت ارزش‌ها و فرهنگ جامعه)؛

۲. با توجه به اینکه وی سالیان متمادی در کشور مصر بوده است، بنابراین، به توانمندی‌ها و ضعف‌های آنان و قوف کامل داشته است (شناخت قوت‌ها و ضعف‌ها)؛

۳. آن حضرت پس از تعبیر خواب و طراحی برنامه راهبردی، با پیشنهاد پادشاه مبنی بر صدارت مواجه شد که قبل از پذیرش مسئولیت، تبری از گناه ناکرده را مطالبه کرده و با احضار

زنان مصر از جمله زلیخا، اثبات بی‌گناهی خود را از آنان می‌طلبید (مدیر نباید حتی شائبه آلودگی داشته باشد)؛

۴. حضرت یوسف (ع) به‌عنوان پیامبر الهی موظف بود که مردم زمانه خود را از مشکلات مادی و معنوی نجات داده و جامعه‌ای سالم برای بشریت بسترسازی کند (هدایت و نجات مردم از طاغوت به‌عنوان هدف انبیاء)؛

۵. پیامبر الهی در مسیر رسالت خود، بایسته است که ارشادات مادی و معنوی را توأمان داشته باشد؛

۶. حضرت یوسف (ع) از جمله پیامبرانی است که به درجه امامت رسیده و در مسیر تحقق رسالت خود می‌بایست به امر حکومت و مدیریت اهتمام ورزد (اجرای فرامین الهی)؛

۷. با توجه به شناخت کامل حضرت یوسف از مصر و منابع مادی و معنوی آن، شنیدن خواب شاه، به نظر می‌رسد آن حضرت هدف‌گذاری کرده و با تحلیل «SWOT» قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات زمانه را بررسی و راهبردهای مناسب را برای نجات کشور مصر تدوین کرده است؛

۸. حضرت یوسف به‌عنوان راهبردنگار و اجراکننده برنامه راهبردی لازم است که به امانتداری و تقوا شهرت داشته باشد و قبل از حاکمیت بر مردم بر نفس خود غلبه کند؛ بدیهی است که کنترل نفس برای ایشان وجود داشت (یوسف ۳۴ و ۵۳) و مردم او را امین می‌دانستند؛ چنان‌چه پادشاه وی را امین خواند و حکومت مصر را به وی سپرد؛ این پادشاه عمل صالح یوسف در دنیا بود (یوسف ۵۶)؛

۹. ویژگی‌های حکومتی یوسف همچون «مکین»، «امین»، «حفیظ» و «علیم» بر چهار راهبرد در اقتصاد تأکید دارد که عبارتند از: «اختیار کافی در حوزه اجراء»، «امنیت روانی برای امنیت اقتصادی»، «ضرورت پژوهش مستمر برای حفظ توازن اقتصادی» و «شناخت چالش‌ها»؛

۱۰. برنامه راهبردی حضرت نشان می‌دهد که پیاده شدن عدالت اجتماعی نیازمند برنامه‌ریزی و تدبیر است (دیباجی، ۱۳۸۷: ۷۶).

مراحل برنامه راهبردی حضرت یوسف (ع) در مسیر اقتصاد مقاومتی

از گزارش قرآن و تحلیل آیات الهی مورد نظر، استفاده می‌شود که برنامه راهبردی حضرت یوسف (ع) می‌تواند مراحل مختلفی داشته باشد که بدان اشاره می‌شود:

الف) کاشتن هفت سال متوالی و ذخیره‌سازی آن

قرآن در خصوص فاز اول برنامه راهبردی پیشنهادی از زبان حضرت یوسف (ع)، چنین گزارش می‌دهد:

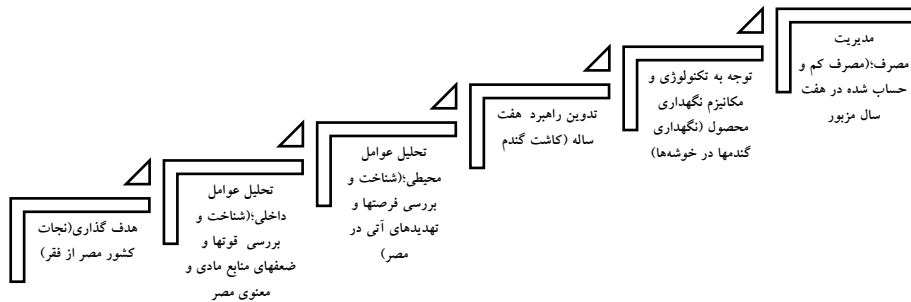
«تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ» هفت سال پی در پی می‌کارید و آنچه را که درو کردید، جز اندکی که می‌خورید، در خوشه‌های خود باقی بگذارید (یوسف، ۴۷).

واژه «دأب» به معنای استمرار و متوالی است و «تزرعون» هرچند به صورت خبر است، لکن در معنا، امر و انشاء است؛ این بدان معناست که می‌خواهند در وجوب امثال آن تأکید نمایند؛ با توجه به این برداشت، معنای آیه چنین است: هفت سال پی در پی کشت و زرع کنید (طباطبایی ج ۱۱ ذیل آیه)؛ همچنان‌که مشاهده می‌شود حضرت با توجه به هدف راهبردی (نجات کشور مصر از خشک‌سالی و فقر) و منابع زمینی حاصل‌خیز، آب، تجهیزات و امکانات و نیروی انسانی موجود در مصر و فرصت هفت ساله بارانی در کشور و نیز تهدیدات بعدی، فاز اول را در کاشتن هفت سال پی در پی گندم و ذخیره‌سازی آن می‌داند؛ لازم به ذکر است که آن حضرت حتی به مکانیزم نگهداری گندم‌ها در هفت سال تصریح می‌کند؛ چنانچه پیشنهاد می‌دهد که گندم‌ها را در خوشه خود نگهداری کنند تا آفت نزند «فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ» «إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ» آنچه را که درو کردید، جز اندکی که می‌خورید، در خوشه‌های خود باقی بگذارید. از گزارش قرآن این نکته نیز فهمیده می‌شود که حضرت دستور می‌دهد در این هفت سال پرباران، برنامه اقتصادی مقاومتی داشته باشید؛ چنانچه این نکته را می‌توان از واژه «قلیلا مما تأکلون» استفاده کرد؛ بنابراین در مصرف نیز لازم است که دقت شود و به حداقل‌ها اکتفا گردد و اندوخته بیشتری ذخیره شود؛ با توجه به مطالب پیش‌گفته، می‌توان با تحلیل آیات مرتبط، مدل برنامه راهبردی حضرت را در گام‌های زیر خلاصه کرد:

۱. هدف‌گذاری (نجات کشور مصر از خشک‌سالی و فقر)؛
۲. تحلیل عوامل داخلی (شناخت و بررسی قوت‌ها و ضعف‌های منابع مادی و معنوی مصر)؛
۳. تحلیل عوامل محیطی (شناخت و بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای آتی در مصر)؛
۴. تدوین راهبرد هفت ساله (کاشت گندم)؛
۵. تدوین راهبرد هفت ساله (ذخیره‌سازی)؛
۶. توجه به فناوری و سازوکار نگهداری محصول (نگهداری گندم‌ها در خوشه‌ها)؛

۷. مدیریت مصرف (مصرف کم و حساب شده در هفت سال مزبور).

نمودار زیر گام‌های مرتبط با مرحله اول برنامه راهبردی حضرت یوسف (ع) را نشان می‌دهد:



نمودار ۵. گام‌های مرتبط با مرحله اول برنامه راهبردی حضرت یوسف (ع)

ب) تدوین و مدیریت برنامه اقتصاد مقاومتی

حضرت یوسف (ع) در فاز دوم که فاز بهره‌برداری است؛ به هفت سال خشک‌سالی و تهدیدات آن تصریح کرده و برای این دوره گذار، برنامه اقتصادی مقاومتی پیشنهاد می‌دهد؛ خداوند از زبان آن حضرت می‌فرماید: «ثُمَّ يَأْتِي مِنَ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعُ شِدَادٍ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ». (یوسف، ۴۸) پس از آن، هفت سال سخت می‌آید که [مردم] آنچه را برای آن سالها ذخیره کرده‌اید می‌خورند، جز اندکی که [برای بذر] نگه می‌دارید. برخی از دانشمندان اسلامی بر این باورند که در این آیه، گفتار مشتمل بر یک تمثیل لطیفی است؛ زیرا، سال‌های قحطی چون درنده‌ای خون‌آشام است که به مردم حمله می‌کند؛ اگر مردم ذخیره‌ای داشته باشند، این درنده متوجه آن ذخیره‌ها شده و از خود مردم منصرف می‌شود؛ کلمه «احصان» در اینجا به معنای احراز و ذخیره کردن است و معنای آیه این است که پس از هفت سال فراوانی، هفت سال قحطی پدید می‌آید که بر شما حمله می‌کنند و آنچه شما از پیش اندوخته کرده‌اید می‌خورند مگر اندکی که انبار کرده و ذخیره نموده‌اید (طباطبایی ج ۱۱ ذیل آیه).

همچنان‌که از آیات شریفه استفاده می‌شود حضرت با ارائه برنامه اقتصادی، به مدیران گوشزد می‌کند که مدیریت برنامه را به‌دست گرفته و با برنامه‌ریزی عملیاتی، مقدار مصرفی مورد نیاز را در اختیار مردم قرار داده و مقداری از بذر را برای سال آتی نگه دارند؛ چنانچه با عبارت «یاکلن ما قدمتم لهن...» این مفهوم اصطلاحاً می‌شود؛ این فراز از آیه نشان می‌دهد که مدیران جامعه لازم است که در زمان بحران اقتصادی دست به برنامه‌ریزی اقتصادی جهت مهار بحران و مدیریت آن

کرده و به تعبیری اقتصاد مقاومتی را به منصفه ظهور برسانند؛ چه اینکه واژه «یاکلن» به مصرف مردم اشاره داشته در حالی که ضمیر در «قدمتم» ضمیر جمع و به مدیران، دولتمردان و برنامه‌ریزان اقتصادی اشاره دارد؛ از این‌رو، تدوین و مدیریت اقتصاد مقاومتی توسط برنامه‌ریزان و دولتمردان جامعه صورت گرفته و مصرف به اندازه توسط مردم صورت می‌گیرد؛ در یک نتیجه‌گیری کلی، با تحلیل آیات الهی می‌توان مرحله دوم را در گام‌های زیر خلاصه کرد:

۱. توجه به بحران اقتصادی هفت ساله دوم جهت آمادگی مدیریت عالی (سبع شداد)؛

۲. بسترسازی آمادگی روانی مردم برای بحران اقتصادی (ثم یاتی...)؛

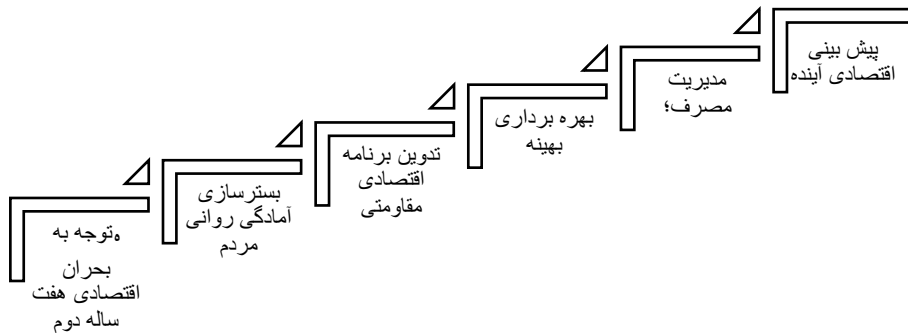
۳. تدوین برنامه اقتصادی مقاومتی (یاکلن ماقدمتم..)؛

۴. بهره‌برداری بهینه (یاکلن...)؛

۵. مدیریت مصرف (قدمتم لهن...)؛

۶. پیش‌بینی اقتصادی آینده (قلیلا مما تحصنون)؛

نمودار زیر گام‌های مرتبط با مرحله دوم برنامه راهبردی حضرت یوسف (ع) را نشان می‌دهد.

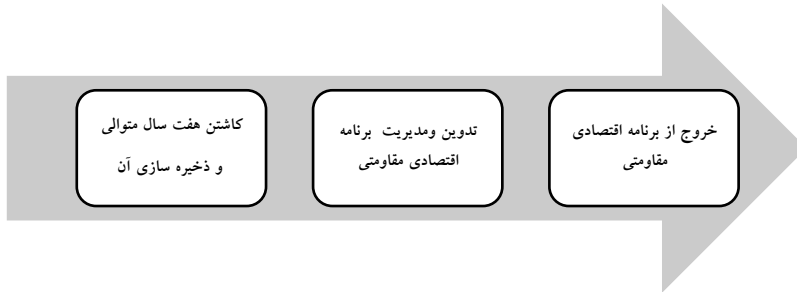


نمودار ۶. گام‌های مرتبط با مرحله دوم برنامه راهبردی حضرت یوسف (ع)

ج) خروج از برنامه اقتصادی مقاومتی

پس از دوره گذار از وضعیت اقتصادی بحرانی و قرمز، دوره اقتصادی عادی و سبز شروع می‌شود و دیگر نیازی به اجرای برنامه اقتصادی مقاومتی وجود ندارد؛ چنانکه خداوند از زبان حضرت می‌فرماید: «ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ» پس از آن، سالی فرا می‌رسد که به مردم در آن [سال] باران می‌رسد و در آن، آب میوه می‌گیرند» (یوسف، ۴۹). در فراز «فیه یغاث الناس» اگر «یغاث» از «غوث» باشد، معنایش این می‌شود که مردم در آن چند سال از ناحیه خدا یاری می‌شوند و از گرفتاری و مشقت رها می‌شوند و نعمت و برکت

برایشان نازل می‌شود و اگر این واژه از ماده «غیث» باشد، معنایش این می‌شود که در آن سال باران می‌آید و قحطی از بین آنان برطرف می‌گردد (طباطبایی، ج ۱۱ ذیل آیه). با توجه به مفهوم آیه شریفه که در سال پانزدهم سال پربارانی است، دیگر نیازی برای برنامه اقتصادی مقاومتی نیست و چون سال قحطی و خشک‌سالی تمام شده است؛ اعلان وضعیت عادی توسط حضرت طبعی خواهد بود؛ نمودار زیر مراحل سه گانه برنامه راهبردی حضرت یوسف را به تصویر کشیده است:



نمودار ۷. مراحل سه گانه برنامه راهبردی حضرت یوسف (ع)

اقدامات راهبردی حضرت یوسف (ع)

اصولا حضرت یوسف (ع) به دلیل اینکه از کودکی و نوجوانی وارد کشور مصر شده بود و اختیار کامل داشت که به همه مناطق به عنوان فرزند دربار و عزیز مصر آزادانه سرزنند، در مدت اقامت وی در قصر و سرکشی به مناطق مختلف به نقاط قوت و ضعف و ظرفیت موجود در کشور مصر واقف گشته و با فرهنگ مصریان آشنا شد؛ بنابراین، با تحلیل عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و تحلیل عوامل محیطی (فرصت‌ها و تهدیدها) به تدوین برنامه با توجه به هدف راهبردی یعنی نجات کشور مصر از خشک‌سالی پرداخت و برای انجام عملی آن بوسیله نیروهای موجود اقدام راهبردی خود را به منصه ظهور گذاشت؛ بنابراین، پس از آنکه حضرت یوسف (ع) قدرت یافت، کادر مدیریتی و اجرایی خود را تشکیل داده و از منابع (مادی و معنوی) برای دستیابی به هدف استفاده کرد؛ در هفت سال اول عمدتا از نیروهای مردمی بهره برد؛ وقتی هفت سال دوم پیش آمد، وی با تدوین برنامه اجرایی ۷ساله، به اجرای آن‌ها پرداخت؛ این برنامه، گروه‌های مردمی را در دوطبقه مستضعف و متمدول قرار می‌داد، گروه‌های مردمی همراه و همکار به صورت برنامه‌ریزی شده در هفت سال دوم از ذخایر استفاده کردند؛ برای گروه‌های مردمی متمدول، برنامه به شیوه‌ای خاص عملیاتی شد که بدان اشاره می‌شود:

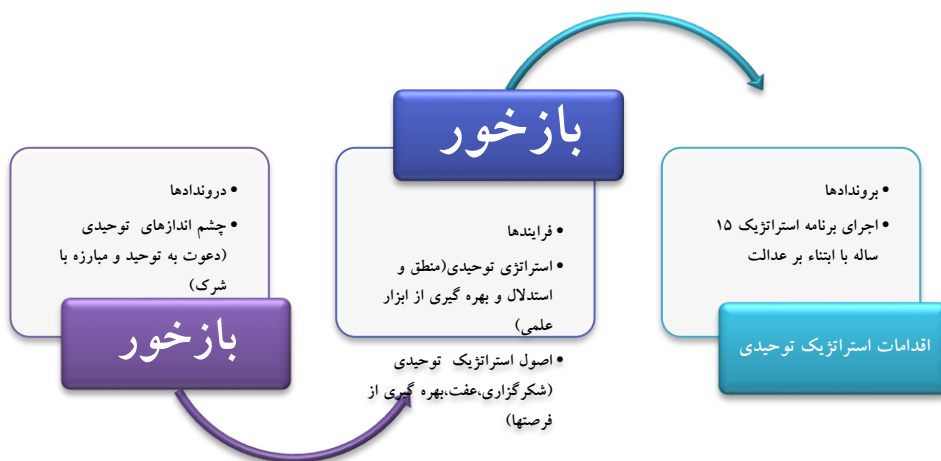
۱. در سال اول قحطی، در قبال پول نقد، بخشی از آذوقه‌ها را به ثروتمندان و مردم فروخت؛

۲. در سال دوم قحطی، آذوقه‌ها را با طلا و جواهر سرمایه داران معاوضه کرد؛
 ۳. در سال سوم، در قبال حیوانات اهلی به مردم آذوقه داد؛
 ۴. در سال چهارم، در قبال غلامان و کنیزها به مردم متمول آذوقه داد؛
 ۵. در سال پنجم، در قبال املاک و خانه‌ها آذوقه داد؛
 ۶. در سال ششم، در قبال مزارع، باغ‌ها و سهم آب کشاورزان بزرگ و سرمایه داران به آن‌ها آذوقه داد؛
 ۷. در سال هفتم، در قبال تعهد کارها و خدمات افراد و منابع انسانی به آن‌ها آذوقه داد (طبرسی ۱۴۰۸ ق، ج ۵: ۳۷۲-۳۷۳).
- چنانچه از برنامه‌های عملیاتی اجرای راهبرد اقتصادی عدالت‌محور آن حضرت برداشت می‌شود، ایشان در هفت سال خشک‌سالی با تدوین و اجرای برنامه‌های سالانه برای کم کردن فاصله طبقاتی و اجرای عدالت اجتماعی تمامی ذخایر ارزی را از دست سرمایه‌داران بیرون کشیده و در خزانه عمومی ذخیره کرد؛ این کار ضمن کم کردن فاصله طبقاتی، ابزار قدرت را از دست متمولان و سرمایه‌داران گرفت تا نتوانند به فساد اقتصادی و استثمار پردازند (حشر، ۷). ثروت‌های بزرگ در دست اغنیاء عامل فساد بوده و حضرت یوسف (ع) نیز بر اساس همین منطق، حق عمومی و حقوق محرومان را با برنامه‌ریزی اجرایی از دست ثروتمندان در آورد و عدالت را به‌صورت نظام مند در جامعه آن روز مصر عملیاتی کرد و شاید این نکته‌ای مهم برای مدیران اسلامی است که لازم است در تدوین و اجرا به‌صورت نظام‌مند ارزش‌های محوری همچون عدالت عینیت یابد.

الگوی راهبردی حضرت یوسف (ع) با نگاهی نظام‌مند

پرسش مهم در این بخش این است که الگوی راهبردی حضرت در مواجهه با بحران اقتصادی و اتخاذ مکانیسم مقاومت‌سازی اقتصاد در چارچوب رویکرد نظام‌مند چگونه به تصویر کشیده می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال ممکن است گفته شود که الگوی راهبردی حضرت یوسف (ع) را می‌توان با رویکردی نظام‌مند در برگیرنده عناصر مهمی دانست؛ این چارچوب مشتمل بر عناصر دروندادی همچون «چشم‌انداز توحیدی» شامل دعوت به توحید، مبارزه با شرک و عناصر فرایندی همچون «راهبردها» شامل منطق، استدلال، بهره‌گیری از ابزار علمی (تعبیر خواب) و «اصول راهبردی» شامل شکرگذاری، عفت، بهره‌گیری از فرصت‌ها و عناصر بروندادی همچون «اقدامات

راهبردی» شامل اجرای برنامه راهبردی ۱۵ ساله با هدف نجات کشور مصر و ابتناء بر عدالت محوری است، در نمودار زیر الگوی نظام‌مند راهبردی حضرت یوسف (ع) به نمایش درآمده است



نمودار ۸. الگوی نظام‌مند راهبردی حضرت یوسف (ع)

دستاوردها، نتایج و پیشنهادات

دستاوردها و نتایج به دست آمده از بررسی الگوی راهبردی حضرت یوسف (ع) در مواجهه با بحران و مقاوم‌سازی اقتصاد حاکی از آن است که چشم‌انداز حضرت یوسف (ع)، چشم‌اندازی توحیدی و احتراز از شرک و بت‌پرستی بوده است و آن حضرت به طور پیوسته چشم‌انداز مشرکان را مردود و خود را پیرو نیاکان توحیدی خویش دانسته است. این الگو بر پایه استدلال و منطق به منظور دعوت به توحید و بهره‌برداری از ابزار علمی در مسیر دالان راهبردی مبارزه با بت‌پرستی مبتنی بود. آن حضرت برای نجات مردم زمانه خود برنامه‌ای راهبردی (۱۵ ساله) طراحی کرده و به اجرا گذاشت. وی قبل از اجرای برنامه، خود را از تهمت‌ها متبری ساخته و اذهان عمومی را نسبت به خود پیرایش نمود. پادشاه با دیدن توانمندی‌های آن حضرت، وی را مکین و امین در حکومت دانسته و به او اختیار تام داد آن حضرت نیز در پاسخ به اعتماد پادشاه با تحلیل عوامل داخلی و خارجی، راهبرد تولیدی را تدوین نموده و اجرای آن را با هدف دستیابی به عدالت اجتماعی برعهده می‌گیرد. اجرای راهبرد و برنامه راهبردی توسط آن حضرت به ذخیره‌سازی منابع ارزی و نیز کم شدن فاصله طبقاتی منجر شد و مردم با دیدن تدبیر وی، شیفته او

شده و سخنان ایشان را می‌پذیرفتند. بنابراین گرایش به توحید در میان مردم آن عصر افزایش یافته و بت‌پرستی و شرک به حاشیه رانده شد. مدیریت راهبردی یوسف نبی (ع) درسهایی را به مسئولین امر در کشور جمهوری اسلامی ایران القا می‌کند که در ادامه به‌عنوان پیشنهادها بدان اشاره می‌شود:

۱. از تدوین برنامه توسط حضرت یوسف (ع) استفاده می‌شود که مسئولین عالی کشور برای تحقق اقتصاد مقاومتی لازم است که مدیریت تولید را محور قرار داده و بر آن تاکید کرده و در این فرایند محصولات راهبردی را با تهدیدها و تحریم‌ها را مشخص کنند.

۲. هرگونه تصمیم مسئولین کشور منطبق بر اصول توحیدی باشد و مبارزه با شرک، کفر و بت‌پرستی در دستور اول مسئولین قرار بگیرد.

۳. مسئولین کشور باید ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی را سرلوحه همه تصمیمات و برنامه‌های راهبردی خویش قرار دهند.

۴. بایسته است که تمامی تصمیمات و راهبردهای اتخاذی مسئولین بر پایه منطق علمی و عقلی استوار باشد.

۵. برنامه‌های راهبردی برای تحقق اقتصاد مقاومتی باید کاملاً مطابق با زمان‌بندی از پیش تعیین شده اجرایی شود و مسئولین برای اجرای رصین این برنامه‌ها برای کشور برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت تدوین کنند.

۶. مسئولین باید از هرگونه شائبه فساد اخلاقی - اقتصادی - اداری و غیره مبرا باشند و اگر برای مسئولین سیاست‌گذار اتهامی وجود دارد در گام نخست، با تدبیر و درایت وجود خویش را از لوٹ اتهامات مبرا کنند.

۷. برای تحقق ملزومات اقتصاد مقاومتی کسانی انتخاب شوند که علاوه بر قدرت علمی - اجرایی امانت‌دار و دلسوز مردم باشند (تعهد - تخصص).

۸. مسئولین رده اول کشور اختیارات کافی برای اجرایی کردن برنامه‌های راهبردی را در اختیار مجریان متعهد و متخصص قرار دهند.

۹. تمامی برنامه‌ها کاهش فاصله طبقاتی و تحقق عدالت اجتماعی را در جامعه پیگیری کند؛ زیرا تحقق عدالت در جامعه موجبات رشد معنوی و سلوک توحید را در جامعه تقویت کرده و موجبات بالندگی انسانی و الهی را در اجتماع به‌وجود می‌آورد.

فهرست منابع و مآخذ

• الف. منابع فارسی

- اسدی، علی (۱۳۹۳). نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های راهبردی و کلان، ش ۵.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۸۵). صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی). تهران مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۳۷ق). غررالاحکم و دررالکلم. محمدعلی انصای قمی، تهران؛
- تاری، فتح اله و کاویانی، زهرا (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی و مولفه‌های آن. فصلنامه سیاست کلان، ۲ (۲).
- ترابزاده جهرمی، محمد صادق و همکاران (۱۳۹۲). بررسی ابعاد و مولفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۰ (۳۲).
- توکلی، محمد جواد و ایزانلو، امید (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک اندیشه اسلامی. دوفصلنامه پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، ۱ (۱).
- پیغامی، عادل (۱۳۹۴). درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی. موسسه فرهنگی سدید، انتشارات بسیج دانشگاه امام صادق (ع).
- پیغامی، عادل؛ سمیعی نسب، مصطفی و سلیمانی، یاسر (۱۳۹۴). جستارهایی در اقتصاد مقاومتی (مقاوم‌سازی اقتصادی در ادبیات متعارف؛ مبادی علمی و نظری). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- سیف‌لو، سجاد (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیر عامل اقتصادی. سیاست دفاعی، ش ۸۷.
- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰). مدیریت راهبردی. تهران، سمت.
- خلیلان اشگدری، محمد جمال (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی؛ تضمین‌کننده امنیت اقتصادی کشور. دوفصلنامه پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، ۱ (۱).
- عبدالملکی، حجت اله (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی. تهران: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
- دیباجی، محمدعلی (۱۳۸۷). پیامبران دولتمرد. پژوهشی درباره الگوهای حکومت دینی در قرآن. تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- سالاری، حسین (۱۳۹۵). مدیریت راهبردی در اسلام. تدوین راهبرد حکومت علوی از منظر نهج البلاغه، قم، بنیاد نهج البلاغه.
- طباطبایی، محمدحسین، میزان فی تفسیر القرآن، جماعه المدرسین بقم المشرفه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، (بی تا).
- طبرسی ابوعلی (بی تا). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فشاری، مجید و پورغفار، جواد (۱۳۹۳). بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران. مجله اقتصادی، ۱۴ (۵ و ۶).
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۳ ق). بحارالانوار. دارالاضواء، بیروت.

- محمدی سیرت، حسین (۱۳۹۱). اصول مدیریت بحران در قرآن کریم. چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- مقیمی، سید محمد (۱۳۹۴). اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام. راه دان، تهران.
- میر معزی، حسین (۱۳۸۷)، اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن. اقتصاد اسلامی، ۱۲ (۴۷).

ب. منابع انگلیسی

- Fred, R David (1997). Strategic Management, New York: Prentice-Hall International PUB.

